

مصطفی صابر

بحران اقتصادی ، بحران ایدئولوژیک

صفحه ۲

نادر بکتاش

شکست راست در آلمان آخرین سنگر مهم لیبرالیسم در اروپا سقوط کرد

صفحه ۴

صفحه حزب

اعلام رسیدمک مالی به حزب و انترناسیونال
رویدادهای ایران

صفحه ۳

صفحه ۳

صفحه ۴

اصول سیاست حزب کمونیست کارگری ایران در رابطه با تقابل و جنگ احتمالی رژیم اسلامی و طالبان

۱- سعادت مردم ایران و افغانستان و برقراری آزادی، رفاه و امنیت اجتماعی در هردو کشور در گرو نابودی و سرنگونی هر دو رژیم است. از نقطه نظر حزب کمونیست کارگری ایران، از نقطه نظر مردم شریف و آزادیخواه دو کشور، و از نقطه نظر کل بشریت پیشرو و انساندوست که شاهد بی حقوقی سیاسی و مشقات میلیونها نفر تحت حاکمیت قرون وسطایی و ضد انسانی این دار و دسته های ارتجاعی اسلامی است، هم رژیم اسلامی ایران و هم طالبان باید بزیر کشیده شوند. حزب کمونیست کارگری دشمن جمهوری اسلامی و دشمن طالبان است، برای سرنگونی هر دو تلاش میکند و به تخاصم این جریانات از دریچه پیشبرد این مبارزه نگاه میکند.

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

برای ابراهیم یزدی در اپوزیسیون رژیم اسلامی جایی نیست

* یزدی برای طلب عفو از قربانیان خود به خارج سفر نمیکند. او برای تکرار پیام بیست سال قبل خود می آید. یزدی تماما شریک جنایات یکی از خونخوارترین رژیمهای تاریخ معاصر است.
* دست در دست بنی صدر و قطب زاده، یزدی عضو سوم مثلث معروف "بیق" بود که به راه انداختن چرخهای سرکوب و تحمیق جمهوری اسلامی را بر عهده گرفتند

صفحه ۳

تراژدی انسانی، سیاستهای ضد انسانی

قتل یک زن جوان پناهجو بدست پلیس بلژیک، عمق یک تراژدی انسانی را بنمایش گذاشت که روزانه در قلب اروپای متمدن و مدرن، با وقاحت تمام اجرا میشود.

صفحه ۲

شاخص تمدن طبقات حاکم آمریکا

ماجرایی که در راس جامعه آمریکا حول روابط جنسی رئیس جمهور میگردد، مرا به یاد نقلی از مارکس میاندازد: رابطه زن و مرد، این رابطه طبیعی و ضروری انسان با انسان، و شیوه ای که انسانها به آن برخورد میکنند بطور روشن و افشا کننده ای نشان میدهد که آدم چقدر آدم

ادامه در صفحه ۲

تبلیغ رادیو بی بی سی درباره آزادی انتخابات مجلس خبرگان

* بی بی سی: باید منتظر ماند و دید آیا انتخابات مجلس خبرگان مثل انتخابات ریاست جمهوری آزاد خواهد بود یا نه

صفحه ۲

جنگ ملی جمهوری اسلامی علیه کارگران دو کشور

رسمیت یافتن حقوق شهروندی کامل برای کارگران و مهاجران متولد افغانستان و دیگر کشورها را در اولین فرامین انقلاب منظور خواهد کرد.

علیه سیاستهای نازیستی رژیم اسلامی ایران بیا خیزید!

امروز که بسیاری از دولتهای بورژوازی، مثلا در آلمان و هلند و کانادا، خارجیان را بنوعی عامل بیکاری دانسته، و سعی در اخراج پناهجویان جدید و قدیم دارند بحق صدای اعتراض اغلب احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی بلند شده است. حزب کمونیست کارگری ایران نحوه برخورد با حقوق شدید پایمال شده کارگران و مهاجران افغانستانی در ایران را یک معیار تعیین کننده در تعلق یا عدم تعلق احزاب و سازمانهای اپوزیسیون به کمپ مدافعین حقوق بشر میداند. آن حزب سیاسی که امروز بی قید و شرط از حقوق شهروندی کامل این بخش از مردم ایران به دفاع برنخیزد و علیه سیاستهای "خارجی" ستیزی و دشمنی با افغانستانیها موضع نگیرد و کاری نکند، به کمپ اوباش راسیست از قبیل "جبهه ملی فرانسه" لوپن و "جمهوری خواهان" آلمان تعلق دارد و حزب ما ضمن رسوا کردن آن در مناسبات خویش با چنین احزاب ایرانی این معیار را حتما در نظر خواهد گرفت.

در تقابل با سیاستهای جنایتکارانه و تفرقه افکنانه اوباش اسلامی ایران و افغانستان، ما تلاش خواهیم کرد که وحدت طبقاتی، انسانی و شهروندی کارگران و مهاجران افغانستانی مقیم ایران را با بخش دیگر طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کشور تحکیم کنیم. کارگران افغانستانی مقیم ایران شهروندان متساوی الحقوق کشور هستند و دست در دست همه کارگران و مردم آزادی خواه برای سرنگونی حکومت جانین اسلامی در ایران و برقراری یک حکومت کارگری، آزادیخواه و مدرن تلاش خواهند کرد.

**نابود باد حاکمیت اوباش اسلامی در ایران و افغانستان!
نگ بر سیاستها و تبلیغات ضدخارجی و ملیگرا!
زنده باد آزادی، زنده باد کمونیسم!**

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ اکتبر ۱۹۹۸

طبق این سیاست قرار است حدود ۲/۵ میلیون نفر مهاجر و پناهنده مقیم ایران، که اکثریت قاطعشان افغانستانی هستند، شناسائی و ثبت نام شده و کارت سبز دریافت دارند. ظاهرا خاصیت داشتن کارت سبز برای این کارگران و مهاجران این خواهد بود که در استان محل اقامتشان بتوانند "آزادانه" سفر کنند. به روشنی این سیاست حیلهای برای شناسائی و دستگیری احتمالی کارگران افغانستانی مقیم ایران و اخراج و گسیل داشتشان به جنگ گلهای اسلامی و قومی دستآموز سیا در افغانستان است.

این سیاست رژیم اعترافی ضمنی بر حقانیت ادعاهای ما کمونیستها در بیست سال گذشته است که کارگران و مهاجران افغانستانی مقیم ایران طی این سالهای طولانی منظم تحت پیگرد و سرکوب بوده و از ابتدائیترین حقوق انسانی، از جمله حق سفر آزادانه در کشور، محروم بودهاند. رژیم منفور اسلام در ایران حتی در اتخاذ این سیاست پیگرد هم نمیتواند چهره و ماهیت ملیگرا و ضدبشری اش را پنهان کند. جواب سوال "چرا کارگر و پناهنده افغانستانی بعد از بیست سال کار و زندگی در ایران، و پس از ثبت نام و گرفتن کارت خطرناک سبز نمیتواند قانونا به استان بغلی مسافرت کند" را باید در توحش ملیگرایانه رژیم آدمکشان اسلامی بورژوازی ایران پیدا کرد. این عین سیاست نازیها در شناسائی، ثبت نام و کنترل و سرکوب یهودیان در آلمان است.

کمونیستها و شهروندان افغانستانی ایران

حزب کمونیست کارگری ایران یکبار دیگر حمایت بی قید و شرط خود از شهروندان افغانستانی مقیم ایران را به ترتیب زیر اعلام می‌دارد:

کارگران و مهاجران افغانستانی مقیم ایران بخشی از مردم این کشور هستند و می‌بایست از تمام حقوق شهروندی و تابعیت، از جمله حق کار و مسافرت و انتخاب آزادانه محل سکونت، فرستادن کودکان به مدارس و دانشگاهها، استفاده از امکانات پزشکی و غیره عینا مانند سایر مردم برخوردار باشند. هر گونه محدود کردن این حقوق، آزار و پیگرد این بخش از مردم ایران، فرستادن آنها به زیر حکومت طالبان و یا تحویل دادنشان به سایر دستهای اسلامی و قومی افغانستان جرم جنائی محسوب شده و مسئولین مربوطه توسط حکومت کارگری و آزادیخواه آینده کشور به این خاطر محاکمه و مجازات خواهند شد. حکومت کارگری آینده ایران اعلام

سیاست نژادپرستانه و ملیگرایانه نفرت‌انگیز رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران و مهاجران افغانستانی در ایران گسترش یافته است. این سیاست که در بیست سال گذشته به کمک تمام جریانات ملیگرای ایرانی، در پوزیسیون یا اپوزیسیون، زندگی را بر این بخش از مردم کشور جانفرسا کرده بود امروز در شرایط خرابی وضع اقتصادی رژیم از یکسو و افزایش تنش بین اوباش اسلامی ایران و حکومت طالبان از سوی دیگر ابعاد مطلقا غیرقابل تحملی پیدا کرده است.

کارگران متولد افغانستان عامل بیکاری در ایران نیستند

حبیبی، عنصر مهم دولت خاتمی روز ۲۶ شهریور در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران اعلام کرد: "اگر نیروی کار خارجی که در کشور مشغول کار است از کشور خارج بشود، ما تقریبا بیکاری را مهار خواهیم کرد." متعاقب این اظهارات دروغ، ملیگرایانه و ضدبشری حبیبی، یورش جدیدی به کارگران افغانستانی آغاز شد. خود روزنامه های رژیم خبر از کشته شدن بیش از ۳۰ نفر از کارگران افغانستانی در بازداشت و زمان دستگیری توسط ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی می‌دهند. هر کس که ۶ کلاس سواد داشته باشد امروز می‌داند که عامل بیکاری چند صد میلیونی در سراسر جهان نه حضور کارگر "خارجی" در این یا آن کشور بلکه خود نظام سرمایه‌داری و بحران جهانگیر کنونی آن است. فاشیستها و نازیها در همه کشورها گناه بیکاری و بحران اقتصادی را به گردن کارگران خارجی می‌اندازند تا این سیستم کثیف سرمایه‌داری را حفظ کنند و کارگران را بجای مبارزه با آن به جان هم بیاندازند.

خودتان بجنید! دست از سر کارگر و مهاجر افغانستانی بردارید!

متعاقب ورود نکت طالبان به مزار شریف، برهان الدین ربانی رئیس یک دسته دیگر از اوباش اسلامی افغانستان، با استقبال شدید سران جمهوری اسلامی سفری به ایران کرد. او در این سفر ضمن درخواست کمک تسلیحاتی و لجستیک برای ادامه جنگ گله خود با گله طالبان از اوباش اسلامی ایران خواست که کارگران و مهاجران افغانستانی مقیم ایران را تسلیح کرده و برای اعزام به جنگ در افغانستان تحویل دار و دسته وی و متحدینش بدهد. در ماه گذشته رژیم اسلامی برای اجابت این درخواست سیاست جدیدی را در قبال کارگران و مهاجران "خارجی" اعلام کرده است.

۲- کشمکش رژیم اسلامی با طالبان نه تقابل دو دولت، دو کشور و دو مردم، بلکه کشمکش دو دار و دسته مرتجع اسلامی است. رژیم اسلامی و طالبان هر دو محصول عروج نکبت بار اسلام بعنوان یک نیروی سیاسی فوق ارتجاعی، ضد انسان، ضد کارگر و ضد زن در دهه های اخیر هستند. در هم شکستن کل این حرکت ارتجاعی در ایران و در سطح بین المللی یک هدف اعلام شده حزب کمونیست کارگری ایران است. از نظر حزب کمونیست کارگری اختلافات رژیم اسلامی و طالبان، که تا حد یک رویارویی مسلحانه اوج گرفته، نشانه ای مثبت از تفرقه و تشتت درون این اردوی ارتجاعی و آغاز روند شکست قطعی آن در منطقه است و باید با هوشیاری توسط نیروهای که برای رهایی مردم و کل جهان معاصر از چنگال نکبت بار ارتجاع اسلامی تلاش میکنند مورد استفاده قرار بگیرد.

۳- موضع حزب کمونیست کارگری بازگرداندن مناسبات دو طرفه به وضعیت موجود پیشین نیست. سیاست حزب موعظه رفع تخاصم و آشتی میان این دشمنان مردم نیست، بلکه شدت بخشیدن به مبارزه برای سرنگونی هردو رژیم است. حزب کمونیست کارگری هیچ اعتبار و مشروعیتی برای حاکمیت رژیم اسلامی در ایران و طالبان در افغانستان قائل نیست و هیچیک را بعنوان دولت به رسمیت نمیشناسد. از نظر حزب کمونیست کارگری، سخن گفتن از تخاصمات جاری این دو جریان با الفاظ و مقولات مناسب روابط میان دول، موعظه "صلح"، "مذاکره" و "روشهای سیاسی حل اختلاف"، دعوت از مراجع بین المللی برای میانجی گری و غیره، خاصیتی جز مشروعیت حقوقی بخشیدن به حاکمیت غاصبانه و ضد مردمی هردوی آنها در کشورهای خویش ندارد.

۴- نگرانی از عواقب جنگ جمهوری اسلامی و طالبان مجوزی برای پذیرش و تمکین به وضع

موجود نیست. از نظر حزب کمونیست کارگری تفاوت عظیمی هست میان اومانسیسم، صلح دوستی و آرامش طلبی مردم، بعنوان خصیصه های ارزشمند انسانی، با دفاع احزاب و جریانات سیاسی دست راستی و محافظه کار از وضع موجود و تلاش آنها برای به تمکین کشاندن مردم به توازن قوای جاری در جامعه. در مقابل طیف نیروهایی که مردم را از ترس آشوب و مشقات جنگ رسماً یا تلویحاً به قبول کابوس حاکمیت بلامنازع طالبان در افغانستان و اوپاش اسلامی در ایران فرا میخوانند، حزب کمونیست کارگری تاکید میکند که صلح، آرامش و امنیت واقعی در ایران و افغانستان تنها از طریق خیزش مردم علیه این اوپاش و برقراری نظامهای سیاسی مبتنی بر آزادی و برابری انسانها در هردو کشور میسر است. حزب کمونیست کارگری ایران در هر حال با هر نوع اقدام رژیم برای سربازگیری، میلیتاریزه کردن محیط کار و زندگی مردم و تشدید محرومیت های اقتصادی و رفاهی

شاخص تمدن طبقات ...

شده است. "بر مبنای این رابطه میتوان تمامی درجه توسعه و تکامل انسان را قضاوت کرد".

به مهمترین فاکتورهای رابطه ای که تمام دنیا متوجه آن شده است، نگاهی بیندازید، و "درجه تکامل و توسعه" انسانهایی که بر آمریکا حکم میرانند را قضاوت کنید:

کلینتون و مونیکا لوینسکی با هم رابطه جنسی برقرار میکنند. کسی از همان اول نوار و اسناد این رابطه را جمع میکند، به مونیکا توصیه میکند تا لباس آبی مشهور را به خشکشویی نهد و برای روز مبادا بایگانی کند. دادستان ویژه "استار"، کل ماشین تبلیغاتی عظیم کنسرواتیبوها و میلیونها دلار به حرکت درمی آید تا از کلینتون "مچ گیری" کند. طبق سنت دیرینه نزاع قدرت در طبقه حاکمه آمریکا یک راه موثر برای از میدان بدر کردن حریف، ریختن پته زندگی خصوصی سیاستمداران - بخصوص روابط "نامشروع" جنسی آنها بر روی آب، و یا عبارات بهتر جنایی و پلیسی کردن خلوت آنهاست. در نتیجه ریزترین جزئیات یک رابطه خصوصی، بعضاً بسیار توهین آمیز (نه فقط به مونیکا و کلینتون که به انسانها بطور کلی) وسیعاً منتشر میشود تا مردم احساس کنند که رئیس جمهور "فاسد" است، بر تمایلات جنسی اش "اختیار ندارد"، "به خانواده پایبند نیست"، "لیاقت اداره کشور را ندارد"، و غیره.

و کلینتون چطور جواب این "حملات" راست و اخلاقیات طالبانی نوع مدرن را میدهد؟ بهمان شیوه و در همان چهارچوب اخلاقی و شنیع معارضینش: ابتدا مستقیم توی چشم مردم آمریکا نگاه میکند و دروغ میگوید. بعد برای توجیه این دروغ، به توجیهاش مشتمل کننده، اما از لحاظ حقوق و قانون حاکم "محکمه پسند"، نظیر اینکه "رابطه جنسی یعنی چی" متوسل میشود. و البته مطابق یک سنت دیرینه دیگر، برای اینکه توجه عامه را به "مسائل خارجی" جلب کند به بهانه مبارزه با تروریسم یک کارخانه را در سودان مورد حمله موشکی قرار میدهد. (جالب اینست که خیلی زود گندش درمیآید که کارخانه مذکور ربطی به تولید سلاحهای شیمیایی نداشته است؛ اما نه

بخشی از اطلاعیه فرهاد بشارت (۷ اکتبر ۹۸)

عکسی از رادیو بی بی سی

روز ۲۹ سپتامبر بخش فارسی رادیو بی بی سی خبر و تفسیری در مورد انتخابات آینده مجلس خبرگان داشت. مخبر برنامه پس از اعلام اینکه شورای نگهبان، نهادی مرکب از ۶ آخوند و آیتالله، صلاحیت نصفی از سیصد و خورده ای کاندیدا انتخابات مجلس خبرگان را بدلیل عدم اشراف کامل بر قوانین و مبانی اسلام نپذیرفته است میکروفون را بدست مفسر سپرد. آقای مفسر پس از بررسی جنبه های مختلف این انتخابات تفسیر خود را با ابراز

اینکه باید منتظر ماند و دید آیا انتخابات مجلس خبرگان مثل انتخابات ریاست جمهوری آزاد خواهد بود یا نه پایان داد. در انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی پس از هزار جور تصفیه کاندیداهای از دم مرتجع، مردم را در مقابل انتخاب از میان چهار آخوند عمامه چند متری قرار داد. فقط از یک نهاد خبری بورژوازی "مستقل و بی طرف و باسرف" مانند بی بی سی ساخته است که چنین انتخاباتی را آزاد بخواند و به

بلامنازع طالبان بر افغانستان را بزیر سوال برده است و شکافهای درونی ارتجاع افغانستان را باز نگاهداشته است. مردم افغانستان و نیروهای سوسیالیست و آزادیخواه افغانستان باید از این فرصت جدید برای بازسازی صفوف خود و غیر ممکن کردن حاکمیت طالبان و همه جلاخان اسلامی بر افغانستان استفاده کنند. در ایران، تاثیرات جنگ با طالبان ابعاد وسیع کنشوری نخواهد یافت. مقایسه جنگ رژیم با طالبان با جنگ ایران و عراق مقایسه ای نامعتبر است. رویارویی های اخیر، بر خلاف جنگ ایران و عراق، بویژه در شرایط سیاسی کنونی ایران، نمیتواند مایه ثبات رژیم و بیرون راندن مردم از صحنه مبارزه علیه آن گردد. برعکس، تبلیغات سیاسی خود رژیم علیه طالبان، آن را در برابر تعرض مردم به بنیادهای حکومت اسلام در ایران خلع سلاح و عاجز میکند. در پس شعار مرگ بر طالبان، شعار وسیع تر مرگ بر حکومت مذهبی و اسلامی جان میگیرد و طنین می یابد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران ۹ اکتبر ۱۹۹۸

رسانه ها و نه "دشمنان" کلینتون اعتنایی به آن نمیکندند!). وقتی همه اینها در مقابل حملات متقابل "دشمن" موثر نمی افتد، ایشان به درگاه خدا پناه میبرند و در یکشنبه ای روحانی با مردان خدا صبحانه صرف میکنند، بخاطر گناه خویش "توبه" میکنند و از خدا میخواهد که او را به راه راست هدایت نماید!

ریاکاری، ریاکاری و ریاکاری. این درجه "انسانیتی" است که هر دو طرف در این "رابطه" نشان میدهند. و البته چون ماجرا بعد سیاسی هم دارد بدترین انواع توطئه و رذالت، دخالت در زندگی خصوصی آدمها، شانناژ و حقه بازیهای ژورنالیستی، دوز و کلک های حقوقی، توسل به اخلاقیات کلیسایی و ارتجاعی، دست بردن در انبان مذهب و خداترسی، و البته جنایت و قربانی کردن جان آدمهایی بیگناه نیز وارد تصویر میشود. و این هنوز تمامش نیست: بی حرمت کردن انسان و رابطه جنسی، تحقیر انسانها و بویژه تحقیر زن. بنیاد تمام این اخلاقیات منحنط، قانون و دادگاه و حقوقش اینست که زن موجودی منفعل، وسیله "لذت جنسی" و طعمه شکار مرد است. مرد مالک و صاحب و آقا و شکارچی است... اجازه بدهید لیست "قضاوت" را ببندیم: وحشیگری بر بالاترین قله تمدن سرمایه داری! مردم آمریکا در این میان نشان دادند که کنار هیچکدام از این وحشیان قرار نمی گیرند. آنها به یکی از بی سابقه ترین کمپین های رسانه ها و بلندگوهای جمهوریخواهان نه گفتند. نشان دادند که دیگر نمی توان آنها را با اخلاقیات ارتجاعی کنسرواتیبوها رنگ کرد. انتشار جزئیات رابطه جنسی کلینتون و لوینسکی بر خلاف انتظار خیلی ها (چه دمکرات و چه جمهوریخواه) نه تنها موجب کاهش محبوبیت کلینتون نشد، که موج انزجار از جمهوریخواهان و شخص استار را بالا برد. رای محبوبیت کلینتون بیش از آنکه "رضایت از کار او بعنوان رئیس جمهور" باشد، اعلام انزجار از کل اخلاقیات و نگرشی است که در این ماجرا انسانها و مناسبات انسانی را تحقیر میکند. مردم آمریکا نشان دادند که درجه تکامل انسانیت آنها بسیار بالاتر از حاکمان جامعه آمریکا و ژورنالیستهای جیره خوارشان است. ■ مصطفی صابر

شنودگانش معرفی کند. باز هم فقط از یک چنین رسانه گروهی "خوشنامی" ساخته است تا پس از شرح روایت شورای نگهبان، کاندیداهای انتخابات مجلس خبرگان، شرایط پذیرش یا عدم صلاحیت کاندیداها از طرف شورای نگهبان، رد شدن بیش از نصف کاندیداهای مسلمان توسط شورای نگهبان و بگیر و ببندهای پیش از این انتخابات از دهان مفسر احتمال آزاد بودن این انتخابات، مثل "آزادی انتخابات ریاست جمهوری"، را طرح کرده و یا ... به حدس و گمان شنودگان بسپارد. بی بی سی و سایر رسانه های "مستقل و با شرف" دولتهای دموکراتیک غرب در سال ۱۳۵۷

تراژدی انسانی، سیاستهای ضد انسانی

سمیرا آدامو اهل نیجریه و ۲۰ ساله، به قصد رسیدن به برلین و پناهندگی در آلمان، در فرودگاه بروکسل بدلیل داشتن مدارک جعلی، شناسائی و دستگیر میشود. علت پناهندگی او اعمال فشار خانواده اش برای ازدواج اجباری با یک مرد شصت ساله بود که خود چهار زن دیگر داشته و یکی از زنها را با دادن سم، به قتل رسانده بود. تقاضای پناهندگی وی بسرعت رد شده و حکم اخراج وی از بلژیک صادر میشود. در روز اجرای حکم، بدلیل مقاومت سمیرا، ماموران پلیس همراه وی، در حالیکه دست و پای او را بسته بودند، بمدت ۲۰ دقیقه سرش را در یک بالش فرو برده و فشار میدهند. عملیاتی که در این کشور قانوناً و روزانه در مقابل مقاومت پناهجویانی که مجبور به بازگشت میشوند اجرا میگردد. همین عملیات به مرگ این زن جوان پناهجو منجر میشود. واقعه ای که دیگر نه شوک است و نه استثنا. قاعده ای است که در مقابل چشم همگان به اجرا گذاشته میشود. بازپس فرستادن پناهجویان به عراق، ایران، اتیوپی و سودان و نیجریه و ... جزئی از سیاستی است که با فروپاشی بلوک شرق، و زیر سوال رفتن انگیزه دولتهای غربی در گرفتن پز بشردوستی و دفاع از حقوق بشر، به وسعت اجرا میشود. در حالیکه امکان اعدام و کشتار صدها پناهجوی در خطر دیپورت، مثل روز روشن است، این دولتها با بیشرمی حکم به اخراج میدهند، به فضای راسیستی در جوامع دامن میزنند و دهها و صدها نفر را به قتلگاهها میفرستند و در مقابل مقاومت پناهجویان دستور استفاده از هر نوع سلاحی را میدهند، که سمیرا و سمیراها را به قتل برسانند. استعفای وزیر داخله بلژیک در مقابل افتضاح سیاسی ببار آمده از این قتل وحشیانه، قرار است آبی باشد که به آتش خشم ناشی از این قتل پاشانده شود. اما مشکل در یک کشور و دو کشور و در اعمال یک و یا چند پلیس خلاصه نمیشود.

به این فجایع باید خاتمه داده شود

قانونی اعلام کردن اقامت و زندگی تمام متقاضیان پناهندگی و عدم دیپورت آنان، پذیرش ستم جنسی بعنوان یک دلیل برسیمت شناختن پناهندگی، و کمک به پناهجویان در ادغام در جامعه جدید و سازماندهی یک زندگی نو، خطوط اولیه سیاستی انسانی هستند، که به همت نیروهای پیشرو و مترقی باید به دولتها اعمال شود. جلو این فجایع را با اعتراض و مبارزه ای هماهنگ میتوان گرفت.

مینا احدی

سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران ۲۶ سپتامبر ۹۸

ایسکرا

سر دبیر: فاتح شیخ الاسلامی

E-Mail: fa.shaik@swipnet.se

همکار فنی: غلام اکبری

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

به حضور فائزه هاشمی رفسنجانی در هلند اعتراض کنید!

بدعوت دانشگاه لیدن، قرار است فائزه هاشمی رفسنجانی در کنفرانس یکروزه این دانشگاه در ۲۰ اکتبر زیر عنوان "اسلام در جهان مدرن امروز" سخنرانی کند.

نمایندگان رژیم با همراهی کامل دول غربی و "اپوزیسیون" منتظرالاطراف خاتمی، در خارج با ژستهای ژورنالیسم پسند و با حضور در مجامع مختلف بین المللی در تلاش پوشش گذاشتن بر دو دهه جنایت و مشروعیت دادن به حاکمیت سیاه خود هستند. دعوت از فائزه هاشمی از جانب یک دانشگاه دولتی، بخشی از یک پروژه بزرگتر "کمک رسانی" به رژیم اسلامی است که وزیر خارجه هلند بنام "نزدیکی بیشتر" و "گسترش هرچه بیشتر روابط دوستانه"، از آن یاد میکند. همانهایی که ۲۰ سال پیش رژیم اسلامی را بقدرت رساندند، امروز با مشاهده اعتراضات خیابانی و اعتصابات کارگری و میزان تنفر مردم از مذهب و رژیم اسلامی، به تکاپو افتاده اند تا رژیم اسلامی را سرپا نگه دارند. به حجم تبلیغات پروخاتمی ژورنالیسم غرب که در شیبای چیزی کم نمی آورد، نگاهی بیندازید تا علت حضور رو به افزایش مزدوران رژیم در خارج روشن شود.

فائزه هاشمی عضو مجلسی است که هزاران قانون ارتجاعی و از جمله قانون وحشیانه سنگسار را بتصویب رسانده است و همین امروز هم برای کشتن زنانی که میخواهند آزاد زندگی کنند، هورا میکشد. او نماینده رژیم آپارتاید جنسی، رژیم اعدام و شکنجه و رژیم مذهب و جهل و خرافه میباشد. او و همکارانش در رژیم اسلامی مسئول نابودی زندگی میلیونها انسان در ایران میباشدند.

نباید گذاشت رژیم اسلامی برای فرار از سرنگونی و تقویت ماشین جنایتش، بساط خود را در خارج پهن کند. پای این تبهکاران باید از خارج کشور کوتاه شود.

ما در ۲۰ اکتبر جهت افشای رژیم جنایتکار اسلامی و نماینده اش فائزه هاشمی و اعتراض به مقامات دانشگاه لیدن، در این کنفرانس شرکت خواهیم کرد. با شرکت خود در این جلسه صف مبارزه علیه رژیم اسلامی را تقویت کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد هلند

۸ اکتبر ۱۹۹۸

علیه ارتجاع اسلامی در کانادا و دانمارک کنگره کار کانادا در برابر اسلامها از کمپین دفاع از حقوق زنان ایران حمایت کرد

طبق اطلاعیه کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - کانادا، کنگره کار کانادا CLC، اواخر سپتامبر کنفرانسی با عنوان "حمایت از حقوق بشر و علیه نژادپرستی" در شهر مونترال کانادا برگزار کرد که کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران نیز بدعوت کنگره کار در آن حضور داشت و میز کتاب برپا کرد. وجود ادبیات کمپین و روزنامه های خبری آن که وضعیت زنان تحت حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی حاکم بر زنان در ایران را افشا می کردند، با استقبال گرم شرکت کنندگان، یعنی نمایندگان اتحادیه های سراسر کانادا، روبرو شد. متقابلاً افشاکاری درباره قوانین اسلامی سنگسار، حجاب، ازدواج دختران ۹ ساله و غیره، که جمهوری اسلامی بر زندگی زنان تحمیل کرده، به مذاق تعداد انگشت شماری از نمایندگان مسلمان حاضر در کنفرانس خوش نیامد. آنان همان روز اول، با کشیدن پای مسئولین کنفرانس به معرکه، جر و بحث شدید با مسئولان میز و اظهار اینکه سنگسار و دیگر قوانین وحشیانه اسلامی جزو فرهنگ و قوانین اسلامی است، قصد جمع کردن میز کتاب کمپین را داشتند. ولی علیرغم این تلاشها، مسئولان کنفرانس اعلام کردند که میز در کنفرانس خواهد ماند. اسلاميون کشمکش را به داخل کنفرانس بردند و با صحبت درباره "اسلام و تبعیضاتی که در جهان به آن روا میشود" قصد



شیوا محبوبی، هماهنگ کننده "کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - تورنتو" و کادر حزب کمونیست کارگری ایران
عکس از مجله NOW چاپ تورنتو، ۸ اکتبر

جلب حمایت و رای شرکت کنندگان برای جمع کردن میز را داشتند، که مجدداً با عکس العمل مسئولین و سخنرانی یکی از برگزارکنندگان کنفرانس، حسن یوسف، روبرو شد که در حمایت از حق آزادی بیان، پایمال شدن حقوق زنان در ایران و مبارزه کمپین صحبت کرد. روز سوم مسئولان کنفرانس قطعنامه ای

در حمایت از برپایی میز کمپین پیشنهاد کردند که با اکثریت آرا تصویب شد. حمایت گرم کنگره کار کانادا از کمپین دفاع از حقوق زنان در برابر ارتجاع اسلامی انعکاس وسیعی در رسانه ها داشت، از جمله مجله NOW که در تورنتو منتشر میشود در شماره

۸-۱۴ اکتبر خود ضمن گزارش مفصل ماجرا مصاحبه ای با شیوا محبوبی مسئول کمپین در تورنتو چاپ کرد.

کمپین برای برچیدن مدارس مذهبی و قومی در دانمارک

با افشای کمکهای مالی مسئولین مدارس اسلامی دانمارک به حزب الله در لبنان و فلسطین از محل بودجه این مدارس که توسط دولت تامین میشود، بحث مدارس اسلامی در دانمارک به یک مسئله داغ روز تبدیل شده است.

به غیر از مضرات هر مدرسه و رسم و رسوم و آموزش مذهبی که مستقیماً روح و جسم کودک را مورد آزار و اذیت قرار میدهد، از رشد فکری و جسمی او ممانعت به عمل می آورد و شادی و نشاط کودکان را از آنها سلب میکند و او را از بقیه کودکان جامعه جدا و منزوی نگه میدارد و آنها را با روح مذهبی تحقیر دختران و زنان و نفرت بر علیه انسانهای دیگر میپروراند، این مدارس اسلامی مستقیماً با جنبشهای سیاسی مذهبی در لبنان و فلسطین در ارتباطند و به آنها یاری میدهند، توسط آنها اداره میشوند و علناً به حذف مطالب علمی مانند عقاید داروین و منشاء حیات از کتب درسی، که تمامی گفته ها و وجود خدا و پیامبران آنها را بی اعتبار میکنند، پرداختند و عکسهای بدون حجاب اسلامی کتابهای درسی را با رنگ سیاه پوشاندند.

در دانمارک بجز مدارس اسلامی مدارس مذهبی دیگر مانند کاتولیک و یهودی و غیره وجود دارد و والدین میتوانند فرزندانشان را به این مدارس بفرستند و همچنین در مدارس عمومی نیز آموزش مذهب مسیحیت از سال اول دبستان جزء مواد درسی است.

بحث بر سر مدارس اسلامی فرصت مناسبی است تا مبارزه برای ممنوعیت تمام مدارس مذهبی و لغو آموزش مذهبی در مدارس عمومی را سازمان داد.

هم اکنون کمپین برچیدن مدارس مذهبی و قومی و آموزش مذهبی در دانمارک با ابتکار ناهید ریاضی هماهنگ کننده کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و از اعضای حزب کمونیست کارگری شروع به کار کرده است و اعلام موجودیت آن با استقبال فراوان مواجه شده است. ما ضمن حمایت از این کمپین از همه سازمانها، احزاب و نهادها و انسانهای سوسیالیست، آزادیخواه و سکولار میخواهیم که به این کمپین بپیوندند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - دانمارک

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق - دانمارک

کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران - دانمارک

کمیته دفاع از حقوق زنان عراق - دانمارک

۸ اکتبر ۱۹۹۸

اطلاعیه ها

- ننگ بر فاشیسم ضد افغان! مصطفی صابر ۱۸ سپتامبر ۹۸
- سرانجام کومهله جدید، عنوان اطلاعیه ای است که حسین مرادیگی عضو کمیته مرکزی و کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران و سردبیر نشریه کارگر کمونیست، درباره توافقات اخیر کومه له و حزب دمکرات صادر کرده است.

- فرخ نگهدار، خاتمی و مجاهد، مصطفی صابر ۷ اکتبر

پنجمین کنفرانس اعضای حزب کمونیست

کارگری ایران در سوئد برگزار شد

پنجمین کنفرانس اعضای حزب کمونیست کارگری ایران سوئد روزهای ۱۹ و ۲۰ سپتامبر، با شرکت اکثریت اعضای حزب در سوئد و تعدادی از رفقای عضو حزب کمونیست کارگری عراق در استکهلم برگزار شد. کنفرانس با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد جانباختگان راه سوسیالیسم و درگذشت رفیق حکمت کوتانی کار خود را شروع کرد.

در کنفرانس ابتدا رفقای از طرف دفتر سیاسی حزب برخی جوانب فعالیت حزب را توضیح دادند و سپس به سئوالات حاضرین در زمینه های مختلف پاسخ داده شد. بدنبال، گزارش کمیته کشوری در مورد فعالیت‌های دوره گذشته و نقش ویژه تشکیلاتهای حزب در دوره کنونی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت، پیشرویها و نقاط ضعف این تشکیلات بررسی شد و بر اولویتهای دور آتی تاکید گردید. در پایان کنفرانس خلیل کیوان بعنوان مسئول تشکیلات حزب در سوئد انتخاب شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد سوئد

۲۶ سپتامبر ۹۸

ایسکرا را به دست

دوستان و آشناهایتان

برسانید!

برای ابراهیم یزدی در اپوزیسیون رژیم اسلامی جایی نیست

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران هفتم اکتبر اطلاعیه ای در افشای ابراهیم یزدی که برای اجرای یک برنامه تبلیغاتی به اروپا سفر میکند صادر کرد. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

ابراهیم یزدی عضو "شورای انقلاب"، وزیر خارجه و سازمانده سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ... دست در دست بنی صدر و قطب زاده، عضو سوم مثلث معروف "بیق" بود که راه انداختن چرخهای سرکوب و تحمیق جمهوری اسلامی را برعهده گرفتند. اینها دلالتان حقیری بودند که در نقش محلل، با کمک رسانه هائی مانند بی بی سی، خمینی را از نوفل لوشاتو به تهران آوردند و رژیم سیفاک و جنایتکار را بر گرده مردم سوار کردند.

اگر ذره ای شرافت انسانی در وجود امثال یزدی پیدا میشد، برای همیشه با دنیای سیاست وداع میکرد. اما این نیز از نتایج سیاه جمهوری اسلامی است که شرافت انسانی بیش از همیشه لگد مال شده است. یزدی و یزدی ها نه تنها از سیاست کناره نگرفته اند، بلکه امروز هم با وقاحت تمام به دنبال جمهوری اسلامی معتدل شده اشان هستند... اگر دستشان برسد و منافع بورژوازی ایجاب کند و اگر پستشان را باز هم در اختیارشان قرار دهند، باز هم یزدی و هم ردیفان از قدرت پرت شده اش به سازماندهی جوخه های مرگ و دسته های اوباش و زندانها خواهند پرداخت.

یزدی به خارج کشور می آید تا به فراریان گریخته از جهنم رژیم اسلامی، جمهوری اسلامی معتدل شده تری را وعده دهد. یزدی برای طلب عفو از قربانیان خود به خارج سفر نمیکند. او برای تکرار پیام بیست سال قبل خود می آید. یزدی تماماً شریک جنایات یکی از خونخوارترین رژیمهای تاریخ معاصر است. این را دعوت کنندگانش به خوبی میدانند. مشکل این دعوت کنندگان این است که خود نیز در این حقارت با امثال یزدی شریکند. آنها نیز بر خلاف میلشان از جمهوری اسلامی طرد شده و در صف اپوزیسیون بر خورده اند. پای سیاستمداران دیروز و امروز جمهوری اسلامی در خارج را باز میکنند تا در فردایی موهوم جایی هم برای خودشان در همان جمهوری ننگ و زذالت باز شود. آنها تنها یک اشتباه مرتکب شده اند: حضور و فعالیت کمونیستها و آزادیخواهان را حساب نکرده اند. ما به سهم خود میکوشیم همیشه نقش کثیف مرتجعینی مثل یزدی را افشا کنیم و در اذهان مردم زنده نگاه داریم. ■

۱۹۹۸، سال...

ادامه از صفحه ۴

های سوسیال دمکراتیک شدند.

بزرگداشت های سال جاری، در واقع جدال دو متن و دو چشم انداز و دو آرمان است: مانیفست (فراخوان و برنامه طبقه کارگر برای رهایی انسان) و حقوق بشر (پرچم ایدئولوژیک رفرمیسم و سوسیالدمکراسی)، که میروند تا نیروهای اصلی بورژوازی در مهم ترین و تعیین کننده ترین پایگاه های جغرافیایی - سیاسی اش بشوند.

فروپاشی لیبرالیسم

سال جاری سال تکانهای شدید اقتصادهای جنوب شرق آسیا، کابوسهای مالی در بازارهای بورس جهان و فضای نماز وحشت آپوکالیپس جهانی سرمایهداری است. سال سرنگونی آخرین سنگر مهم لیبرالیسم و تشدید هزیمت آن. و نیز سال تثبیت گسترده سوسیال دمکراسی و مطرح شدن وسیع مارکسیسم.

اما این سوسیالدمکراسی که قهرمانانش بلر و ژوسپن و شرایدرهایی هستند که دهها بار نسبت به پدران و اجدادشان راست تر و ضدکارگری تر شده اند، راه حلی برای بشریت ندارد. به قدرت رسیدنش تنها یک خاصیت دارد: به نحوی آشکارتر نشان میدهد که امروز مساعدمترین شرایط، از انقلاب اکتبر به این ور، شکل گرفته است تا طبقه کارگر بتواند با پرچم کمونیسم مارکس، کمونیسم کارگری، به قدرت برسد و قرن ۲۱ را به قرن رهایی بشریت و آغاز تاریخ انسان برابر و آزاد و خلاق تبدیل کند. ■

کمک مالی منظم به حزب و انترناسیونال:

سوئد: کریم ش، مریم، کاوش، شمسی ط، ارس، شهباز ن، کرانه
دانمارک: مختار، محمود، خسرو، ناهید، جمال، رمضان، آنتوس، احمد
آلمان: الف علیجانی، ناهید ص، تقی س، محمد ع، سیروس ر، مهران، محمد الف، محمدرضا خ، محمودزاده، اسماعیل ع، حمید ر،

کانادا: رحیم، شیوا م، مهرداد الف، رشید خ

استرالیا: بیستون

کمک به حزب و انترناسیونال:

سوئد: شهلا، بهروز، محمود، حسام ن، الف ش، عبدال الف، بهمن،

فاضل، فرزاد، کاظم، محمد خ، اروین ف،

فنلاند: حیدر خ، رضا ک، ارس، کمیته حزب در سوئد

آلمان: طغرا، حمید ک، حمید الف، سمین، عباس

نروژ: کمیته حزب در نروژ

کانادا: رفیق افغانی، آرمان، شب کار، کیومرث س، خالد ر، سیاوش ج، علا ف، حسین الف، لیلی ن، کمک به انترناسیونال از طریق میز کتاب حزب در تورنتو، بابک، تورج، مصطفی ب، تونی، آناهید پ، پرویز ش، علی، حسن س، مینا، جلال، جمیل، مجید، نادر، شیوا، رضا ی، ناصر ب، رها ب، ناصر الف، فرشاد ب، رحیم، بهزاد ج، بهروز م،

رویدادهای ایران

دستمزد نمی دهند، تکلیف چیست؟

دوازده مهرماه، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه هنگام ارائه لایحه کسر بودجه به مجلس گفت: اگر مجلس تا ۲۰ مهر ماه این لایحه را تصویب نکند، دولت از عهده پرداخت دستمزدها و حقوق کارگران و کارکنان خود در مهرماه برنخواهد آمد. او اعتراف کرد که در شهریور هم برخی از دستگاههای دولتی قادر به پرداخت دستمزد به کارکنان نشده اند. دولت سرمایه در ایران نه فقط بالای یک میلیون کارمند دارد بلکه خود بزرگترین کارفرماست. فی الحال هزاران کارگر در ایران ماهیست دستمزدی دریافت نکرده اند. اعلام

علنی ناتوانی دولت در پرداخت های مهرماه، بدین معنی است که میلیونها کارگر و کارمند دیگر به صف "بندگان بی جیره و مواجب" سرمایه خواهند پیوست. این دیگر دارد در دنیا رسم میشود. در روسیه، در چین و در ایران کارگران باید سرکار حاضر شوند، اما از دستمزد خبری نیست. یکماه، دو ماه، پنج ماه؛ خیر خبری نیست. آخرین پس اندازها خرج شده، هرچه قابل فروش بوده برای تامین اولین نیازها فروخته شده اما هنوز از دستمزد خبری نیست. لاقال برده داری عهد باستان بردگانش را تامین میکرد. برده داری معاصر حتی توان تامین بردگانش را هم ندارد. تکلیف چیست؟ باید به زور دستمزد را از حلقوم کارفرما و دولت سرمایه بیرون کشید. امروز حتی برخورداری از همان حداقل "بخور و نمیر" هم به مبارزه و تشکل کارگران گره خورده است. تشکل

و اتحاد کارگران نه فقط در این کارخانه و آن کارگاه که در سراسر شهر، و نه فقط یک یا دو شهر که در سراسر کشور. نه فقط بین آنها که چند ماه است دستمزد نگرفته اند، بلکه بین آنها که فعلا دستمزد میگیرند اما حاضر نیستند این وضع دشوار خواهران و برادران خود را تحمل کنند؛ بین شاغلان و بیکاران، بین کارگران نفت، ذوب آهن، توانیر، اتومبیل سازیها، ... و تمامی بخش های طبقه کارگر. در اوضاع کنونی، کارگران ایران حتی برای نان روزمره ناگزیر به عمل طبقاتی یعنی سیاسی اند.

باید از کارگران معدن روسیه آموخت و یک مبارزه گسترده و سیاسی برای پرداخت بموقع دستمزدها برپا کرد. مبارزه گسترده کارگری برای گرفتن دستمزدها میتواند بلافاصله قویا از جانب مردمی که

از نکتت جمهوری اسلامی جان به لب شده اند، حمایت گردد. این سرآغازی خواهد بود برای اینکه طبقه کارگر در پیشاپیش مردم شر رژیم اسلامی و شر بردگی مزدی و مشقات و تناقضاتش را از سر جامعه کم کند.

مصطفی صابر ۷ اکتبر ۹۸ ***

درگیری مردم مریوان با ماموران شهرداری و مزدوران انتظامی

طبق اطلاعیه کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماموران شهرداری مریوان به همراهی مزدوران انتظامی برای تخریب خانههای تازه ساخته شده به محله ترخان آباد حمله کردند. مردم محله جلو آنها را گرفتند و با سنگ و چوب به دفاع از مسکن

خود پرداختند. مزدوران جنایتکار به مردم تیراندازی کردند و زنی بنام شویبه محمدی بر اثر اصابت گلوله زخمی شد. با وجود این مزدوران رژیم در مقابل مقاومت مردم ناچار از عقب نشینی شدند. برای بار دوم نیروهای اطلاعات و پاسداران تمرکز کرده و دست به یورش مجدد زدند اما این بار هم با مقاومت قاطع جمعیت بیشتری از مردم خشمگین روبرو شدند و در یک زدوخورد و درگیری شدید توسط مردم کتک زده شدند و پا به فرار گذاشتند. مزدوران رژیم دو نفر را دستگیر کردند اما مردم آنها را از چنگشان درآوردند. طی ماههای اخیر این چندمین بار است که دستگاههای سرکوبگر رژیم اسلامی مورد اعتراض و حمله مردم مریوان قرار میگیرند. کمیته مریوان حزب مردم را فرا خوانده که مبارزه برای کوتاه کردن دست مزدوران رژیم

اسلامی از محل کار و زندگیشان را گسترش دهند و همراه با مردم آزادیخواه سراسر ایران مبارزه برای سرنگونی این رژیم جنایتکار را ادامه دهند.

در مریوان مراسم یادبود جلال پرتوی با شرکت هزاران نفر برگزار شد

عصر روز ۲۶ شهریور برای بزرگداشت خاطره جوان مبارز جلال پرتوی که روز ۱۷ مرداد بر اثر اصابت گلوله مزدوران جنایتکار جان باخت، مراسم یادبود باشکوهی با شرکت هزاران زن و مرد در گورستان واقع بر تپه مشرف بر شهر مریوان برگزار شد. در این مراسم اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری وسیعا در میان مردم پخش گردید.

آیا وقت آن نرسیده است که مالکیت خصوصی بر وسائل تولید میحتاج زندگی انسانها را الغاء کرد و عصر چندین هزارساله وحشی گری حاکمیت مالکیت خصوصی و حاکمیت طبقاتی را در زندگی بشری خاتمه داد؟ اینها شاید برای خیلی ها هنوز آژیتاسیونی بنظر برسد که در کتابهای مارکس و ادبیات کمونیستی میتوان یافت. اما اینها سوالات واقعی است که از کره و اندونزی تا ایران و روسیه تا قلب اروپا و آمریکا و استرالیا ذهن میلیونها انسان را به خود مشغول کرده است. ترسناکی بحران فعلی برای بورژوازی در این است که این بحران اقتصادی با یک بحران و خلاء ایدئولوژیک بورژوازی در سطح جهان همراه است. تمام نسخه ها امتحان شده، تمام راهها رفته شده؛ هیچکدام درد بشر را درمان نکرده است. مردم بطور جدی بنیادهای اساسی سرمایه داری را زیر سوال میبرند. در پس بحران اقتصادی فعلی شبح کمونیسم مارکس، کمونیسم کارگری قرار دارد. ■

کارگر کره ای که در جریان همین بحران از کار بیکار شدند، برای کارگران روسی و ایرانی ای که ماهیست دستمزدی دریافت نکردند، برای کارگر ژاپنی و کانادایی و مکزیکی که با تحمل زندگی فقیرانه تر و از دست دادن حقوق خود باید هزینه بحران و نابسامانی اقتصاد سرمایه داری را بپردازند، مساله طور دیگری هم میتواند مطرح شود: چرا نمی شود به جای نظامی که بر پایه کالا و پول و رقابت میچرخد، اقتصاد نوع دیگری داشت؟ چرا حتما لازم است که کار بشری به شکل پول و سرمایه به قدرتی مافوق او که اختیار زندگی او را در دست میگیرد، تبدیل شود؟ چرا نمی شود مناسباتی اقتصادی داشت که نه بر پایه کارمزدی و کسب سود، که بر مبنای تعاون و همکاری داوطلبانه خود انسانها و برای رفع نیاز انسانها بنا شود؟ تاکی باید هر چند سال یکبار بحرانهای اقتصادی تار و پود زندگی مردم را درهم بپیچند؟ تاکی باید الیگارشوی های مالی زندگی انسانها را که آفریننده واقعی زندگی اند رقم بزنند؟

ارتدوکس، و دیگر طرفدار کنترل دولتی و مدل دولت رفاه، بعد از دو دهه سرهایشان را از لاک بیرون میاورند و با نشان دادن دوره رونق بعد از جنگ، بویژه دهه ۶۰ و ۷۰، موعظه میکنند که باید به شیوه های قدیم بازگشت. برخی دیگر که محصول راست شدن سوسیال دموکراسی در دهه ۸۰ و ۹۰ هستند "راه سوم" را پیشنهاد میکنند که ملغمه ای از کنسرواتیسم تاجری و لیبرالیسم است. چهره هایی مثل تونی بلیر نخست وزیر انگلیس، سردمداران راه سومی ها هستند. برخی نگرانند که نباید در انتقاد از بازار آزاد زیاده روی کرد و "دستاوردهای" دهه اخیر را نادیده گرفت. هنوز هیچیک از اینها، همانطور که رسانه های بورژوازی اظهار نگرانی میکنند، جواب "قطعی" برای این اوضاع نیست. آیا باید بین سرمایه داری دولتی شکست خورده، و سرمایه داری بازار آزاد رسوا و به گل نشسته و یا ترکیبی از ایندو، انتخاب کرد؟ برای مردم عادی جهان، برای یک میلیون

کمتر از یک دهه، خود همین بازار آزاد و دموکراسی با چنان افتضاحات و بن بست هایی در سطح جهان روبرو شده که تمام "قطعیات" هایش حتی برای ایدئولوگهای بورژوازی زیر سوال رفته است. اما متفکران و خط دهندگان بورژوازی چه نسخه ای برای برون رفت از این بحران ارائه میدهند؟ جناح چپ بورژوازی بر کنترل دولتی و مهار بازار آزاد و بخصوص بازار مالی و انتقال سرمایه انگشت میگذارد. به نظر میرسد که چرخش بسوی کنترل و نظارت فعل و انفعالات مالی حتی در دستور بانک جهانی نیز قرار میگیرد. بعضی کشورها بطور جدی "مالیات توئین" که نوعی مالیات بر مبادلات مالی و انتقال ارز به منظور کنترل بازار است را مورد مطالعه قرار میدهند. در روسیه حتی مشاوران غربی یلتسین به این باور نزدیک شده اند که حرکت بسوی اقتصاد بازار "تند و نسنجیده" بود. نوین جهانی و پیروزی دموکراسی و بازار آزاد و با هجوم به دستاوردهای طبقه کارگر و هرگونه عدالتخواهی جشن گرفته شد. اکنون، پس از

بحران اقتصادی، بحران ایدئولوژیک

ایم، بنظر نمیرسد دیگر قابل انطباق با جهان حاضر باشد. تا همین چند ماه پیش ما فکر میکردیم میدانیم که یک کشور در حال توسعه چه باید بکند تا به جرگه کشورهای ثروتمند بپیوندد. ما فکر کردیم میدانیم چطور یک کشور کمونیستی میتواند به یک کشور سرمایه داری تبدیل شود ... اما حالا با سقوط اقتصاد بخش عمده آسیا و روسیه، با فلج اروپای شرقی و آمریکای لاتین، و با عقبگرد بخش عمده آفریقا تمام قطعیات همین یکسال پیش بسیار نامطمئن به نظر میرسد.

بحران اقتصادی بین المللی حاضر که ژاپن، دومین اقتصاد جهان، و کشورهای آسیای جنوب شرقی را بر زمین زد، روسیه را درهم کوبید و اینک بسوی کشورهای آمریکای لاتین، کانادا و جنوب آفریقا هجوم میبرد، متفکران و نویسندگان بورژوازی را به وحشت فرو برده است. فایننشال<ب> تایمز هشدار داد که این اوضاع میتواند به سقوط بازارهای بورس در اروپا و آمریکا و به چیزی شبیه "رکود بزرگ" سالهای ۳۰ تبدیل شود. نیویورک تایمز هشدار مشابهی داد و نوشت که قطبهای سازنده دنیای پس از جنگ سرد، از جمله مدل بازار آزاد نوع آمریکایی اعتبار خود را از دست میدهند. واشینگتن پست بروشنی بیان میکند که در پس این بحران اقتصادی، بحران های عمیق تری نهفته است: "آنچه در مورد مشکلات اقتصادی اخیر جهان ترسناک است، اینست که قواعدی که ما فکر میکردیم فهمیده

پنجاهمین سال صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر که به مدت ۲ ماه و با شرکت مشاهیر بین المللی در فرانسه برگزار می شود، در مصاحبه با لوموند، بر همین نکته مکث و تاکید کرد.

متون پایه ای حقوق بشر که با حقوقی فردی شروع کرده اند، بطور اجتناب ناپذیر، تحت تاثیر مبارزات کارگری و سوسیالیسم، ناچار شده اند حقوق اجتماعی را هم در نظر بگیرند و به خود اضافه کنند. در ابتدا ملهم از ایده های عصر روشنگری و لیبرالیسم (آزادیخواهی)، این اسناد بتدریج، در واکنش به مبارزات کارگری و اجتماعی ملهم از مارکسیسم، منعکس کننده مطالبات و آرمان

ادامه در صفحه ۲

وارد محاسبات میشوند و قدرقدرتی حقوق طبقه سرمایه دار در مقابل جامعه و حقوق اجتماعی_ انسانی فرد، در هم می شکنند.

مانیفست کمونیست، حقوق بشر

رئیس لیگ حقوق بشر فرانسه (که در سال ۱۸۹۸ بعد از "قضیه زولا" تاسیس شد) در یک مصاحبه تلویزیونی در روزهای بزرگداشت سازمانش بر این نکته تاکید کرد که طی ۱۰۰ سالی که از تشکیل لیگ می گذرد، دفاع از حقوق اجتماعی فرد (حق کار، مسکن، برابری مهاجرین با اتباع کشور و غیره)، منطما به اساسنامه آن اضافه شده و در دستور کار عملی قرار گرفته است.

مسئول برگزاری مراسم بزرگداشت

میرسد، حداقل دستمزد برقرار میشود و برسمیت شناختن سندیکاها در کارخانه در دستور قرار میگیرد. در فرانسه قانون ۳۵ ساعت کار در هفته تصویب میشود و راست ناسیونالیست و لیبرال در یکی از عمیق ترین بحرانهای حیاتش دست و پا میزنند. در آلمان کوهل مرخص میشود و کابینه سرخ_ سبز محتمل ترین آلترناتیو میشود. "صندوق ذخیره بین المللی" با سیاستهای لیبرالی اش، شدیدا مورد انتقاد قرار می گیرد. برای اولین بار، پس از مدتها، راه حل ارائه شده توسط اتحادیه اروپا به روسیه، نه ایجاد "اقتصاد بازار" که برقراری "اقتصاد اجتماعی بازار" است.

جامعه و مطالبات کارگران و مردم

با خود آورد. اشتباه لیبرالیسم اما این است که هنوز نفهمیده که تاریخ سرمایه داری، به قبل و بعد مارکس تفکیک می شود.

واقعیات خیلی زود این ایدئولوژی کف بدهن آورده از توهم سلطه مطلق بر دنیا را درهم کوبید و چهره کربش را از پشت ماسک "ناجی جهان" بیرون کشید.

در کشورهای اروپای غربی، یکی پس از دیگری، سوسیال دموکراتها به قدرت میرسند. در اروپای شرقی "کمونیست" های سابق، یا فی الحال در قدرت هستند و یا مدعیان اصلی به قدرت رسیدن. در روسیه چشمها به طرف آنها میچرخد. در بریتانیا، پیشگام لیبرالیسم تحت رهبری تاجر، حزب کارگر به قدرت

تاثیر جنبش کارگری و مارکسیسم و بعدتر انقلاب اکتبر و تحمیل چشم انداز و مطالبات سوسیالیستی طبقه کارگر به بورژوازی جهانی، بویژه از بعداز جنگ جهانی دوم، از توحش قرون قبل و "سرمایه داری خون و آتش" عقب نشسته بود. فروپاشی اردوگاه شوروی و دیوار برلن برای مقطعی کوتاه این توهم را به سرمایه داران و متفکرین و مبلغینش داد که می توانند لجام گسیخته پیش بتازند و مجددا سرمایه داری وحشیانه اعصار قبل را احیا کنند. لیبرالیسم لجام گسیخته، در این بازگشت، بطور اجتنابناپذیر، همزادهای مخالف قدیمی خود (مذهب، خرافات، میهن پرستی جنگ طلبانه و ...) را هم، اینبار در قالب دوست و شریک،

نادر بکتاش

۱۹۹۸، سال

بزرگداشت ها

امسال، سال بزرگداشت هاست. صد و پنجاهمین سال انتشار مانیفست مارکس؛ صدمین سال "قضیه زولا" و تشکیل لیگ حقوق بشر فرانسه؛ پنجاهمین سال صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر. ۲۷ سپتامبر امسال با شکست راست آلمان و پیروزی سوسیالدموکراسی این کشور، آخرین سنگر مهم لیبرالیسم در اروپا سقوط کرد.

این قدیمی ترین مکتب اقتصادی و فکری_ سیاسی سرمایه داری، تحت

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada
Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada	

Fax: (1) 416 515 67 22

E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکیلات خارج کشور
(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانهها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

به حزب کمونیست کارگری شماره فاکس کمیته داخل حزب
ایران کمک مالی کنید
۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹